

قاجاق انسان: از زمینه‌های ظهور تا ضرورت الحاق به کنوانسیون پالمو و پروتکل الحاقی

محمدجعفر حبیب‌زاده^۱

محسن شریفی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۰۵/۲۴

تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۱/۰۶/۲۵

صفحات مقاله: ۲۱۱ - ۲۳۲

چکیده:

این سخن، که برده‌داری سنتی قرون گذشته، به‌رغم پیشرفت‌های محیرالعقول بشریت در حوزه‌های مختلف علوم تجربی، فنی و انسانی و برافراشتگی پرچم حقوق بشر بر بام‌های بلند سازمان‌های بین‌المللی - به‌ویژه سازمان ملل متحد - در قرن ۲۱ در کسوت قاجاق انسان و به‌صورت فراملی رخ نموده، دور از واقعیت نیست. معرفی قاجاق انسان و اعضا و جوارح آن به‌عنوان سودآورترین تجارت سیاه پس از مواد مخدر، مؤید گستره‌ی انکارناپذیر این واقعه‌ی شوم در سراسر گیتی است. چندان که شناخت و قبح بین‌المللی این پدیده، منجر به تلاش‌های گسترده در سطح جهان در زمینه پیشگیری و سرکوب قاجاق انسان گردیده که از جمله‌ی مهم‌ترین آنها، تصویب کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرایم سازمان‌یافته‌ی فراملی سال ۲۰۰۰ (پالمو) و پروتکل‌های الحاقی آن است که متعاقب آن کشورهای مختلف جهان، چه آنهایی که ملحق به کنوانسیون شده‌اند و چه آن دسته که مانند جمهوری اسلامی ایران تاکنون ملحق نشده‌اند، اقدام به جرم‌انگاری این رویداد تلخ نموده‌اند، تا بدین‌سان، گام مؤثری در راستای دفاع از کرامت و شرافت انسانی برداشته باشند. گرچه تصویب قانون مبارزه با قاجاق انسان در سال ۱۳۸۳، مجاهدتی ارزنده برای هم‌نوایی با جامعه‌ی جهانی و اهتمام به وجاهت و کرامت انسانی است، لکن به دلیل فقدان پیش‌بینی اقدامات پیش‌بینی و پس‌بینی و ملحوظ نکردن مکانسیم‌های ترمیمی، حاوی خلأها و نواقص غیرقابل اغماضی است که بیان آنها به شیوه‌ی توصیفی و تحلیلی، وظیفه‌ی اساسی این نوشتار است.

* * * * *

۱ - استاد گروه حقوق دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

۲ - عضو هیأت علمی مؤسسه‌ی آموزش عالی طبرستان و دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس.

واژگان کلیدی

قاچاق انسان، جرم سازمان یافته، کرامت انسانی، تدابیر غیر کیفری، سیاست جنایی.

مقدمه

نابرابری‌های اجتماعی، فقر اقتصادی، کم‌رنگ شدن مرزها، کمبود فرصت‌های شغلی در کشورهای مبدأ، وفور فرصت‌های اشتغال در کشورهای مقصد، جهل و ناآگاهی، دگرگونی ارزش‌های اجتماعی، احتیاج ضروری کشورهای پیشرفته و صنعتی به نیروی کار ارزان قیمت، افزایش جمعیت، تورم، درگیرهای داخلی، احساس عدم امنیت، درآمد غیر مکفی، انسداد سیاسی، افول باورهای مذهبی، بی‌اعتمادی مردم به دولت‌ها، پرسود بودن تجارت انسان، ضعف مکانسیم‌های بازدارنده، سازمان یافته و مافیایی بودن قاچاق انسان، فروپاشی بلوک شرق، از جمله عوامل نافذ و مؤثر بر افزایش تصاعدی قاچاق انسان در دهه‌های اخیر به‌شمار می‌رود.

هر چند آمار دقیقی از میزان قاچاق اشخاص در دسترس نیست، لکن گزارش سازمان‌های فعال جهانی دائر بر قاچاق دست‌کم دو میلیون نفر در سال و سی میلیون زن و کودک از دهه‌ی هفتاد تاکنون، به‌وضوح عمق این بلیه‌ی بشری و تراژدی غم‌انگیز جهانی را مبرهن می‌سازد. (کولایی، ۱۳۷۷: ۱۶۷) تا جایی که، هیچ‌گونه انکار و تردیدی را برای دولت‌ها نسبت به آن باقی نگذاشته تا تغییر قوانین داخلی و انطباق آنها با استانداردهای بین‌المللی برای مبارزه هر چه بهتر با قاچاق انسان از سوی آنها، امری محتوم و گریزناپذیر باشد. (لنگرودی، ۱۳۷۷: ۱۶۷) جرم‌انگاری قاچاق انسان و پیش‌بینی ضمانت اجرای مناسب و بازدارنده برای این جرم، لزوم همکاری بازدارنده‌ی دولت‌ها، عدم پذیرش مرور زمان و نهاد تعلیق و آزادی مشروط، برای محکومان این جرم، تدوین سیاست‌های پیشگیرانه برای جلوگیری از تکرار جرم، حمایت فراگیر و مستمر از بزه‌دیدگان، مجموعه تدابیری است که در پرتو سیاست جنایی معقول و سازمان یافته علیه پدیده‌ی قاچاق و کمک به قربانیان آن قابلیت به کارگیری دارند.

هر چند تصویب قانون «مبارزه با قاچاق انسان در ایران، در سال ۱۳۸۳ مشتمل بر هشت ماده و سه تبصره، اقدامی تحسین‌برانگیز در جهت مبارزه با این پدیده‌ی ضدبشری و هم‌سویی با جامعه‌ی جهانی است، لکن عدم الحاق ایران به کنوانسیون پالمو و پروتکل‌های الحاقی آن و عدم توجه به مقوله‌ی حساس پیشگیری و هم‌چنین بی‌اعتنایی نسبت به فرایند ترمیم زیان‌های وارده بر بزه‌دیدگان این جرم، به‌ویژه آسیب‌های عاطفی و روانی وارده بر آنها، عدم تفکیک دقیق مرزهای این جرم با عناوین مجرمانه‌ی مشابه در قانون مجازات اسلامی، از جمله مهم‌ترین ایرادات وارده بر این قانون است که دقت در آنها توأم با ارائه‌ی راه‌کارهای برون‌رفت، هدف اصلی این مقاله است.

تعریف قاچاق انسان

قاچاق، بدون هیچ قیدی، عرفاً به معنای «حمل و نقل کالا از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر، خواه دو نقطه‌ی مزبور در داخل کشور باشد (قاچاق داخلی)، خواه یک نقطه در داخل و نقطه‌ی دیگر در خارج باشد (قاچاق خارجی)؛ بر خلاف مقررات مربوط به حمل و نقل، به‌طوری که این عمل ناقص ممنوعیت یا محدودیتی باشد که قانوناً مقرر شده است» تعریف شده است. (عظیمی، ۱۳۸۶: ۵۱) قاچاق به علت کثرت موضوعات آن، مصادیق متعددی از قبیل قاچاق انسان، مواد مخدر، مهاجران، اسلحه، اعضا و جوارح، میراث فرهنگی کشور، حیوانات نادر و کمیاب و ... را در بر می‌گیرد. (سلیمی، ۱۳۸۶: ۱۳۰) لکن بند الف ماده‌ی (۳) پروتکل پیشگیری، منع و مجازات قاچاق انسان به‌ویژه زنان و کودکان در تعریفی فراگیر استخدام، انتقال، حمل و نقل، پناه دادن یا دریافت اشخاص به‌وسیله‌ی تهدید یا به‌کارگیری زور یا دیگر اشکال تحمیل، آدم‌ربایی، تقلب، فریب سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت آسیب‌پذیری یا دریافت پرداخت‌ها یا منافع را برای کسب رضایت فردی که بر شخص دیگر کنترل دارد، به‌منظور بهره‌کشی را قاچاق انسان دانسته است.^۱ ماده‌ی (۱) قانون مبارزه با قاچاق انسان

1 - potocol to Prevention Suppress and punish Trafficking in Persons, Especially women and children , supplementing the united nation Convention against Transitional organized crime (2000).

مصوب سال ۱۳۸۳ در ایران نیز با تأسی از این پروتکل و در تعریفی نسبتاً مشابه آورده است: «الف) خارج ساختن یا ترانزیت مجاز و یا غیرمجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ، یا با سوءاستفاده از قدرت و موقعیت خود یا با سوءاستفاده از وضعیت فرد یا افراد یاد شده، به قصد فحشا، یا برداشتن اعضا و جوارح، بردگی و ازدواج. ب) تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اخفای فرد یا افراد موضوع بند «الف» این ماده پس از عبور از مرز با همان مقصود». همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در بند الف این ماده، ضمن اشاره به قاچاق زنان و کودکان و قاچاق اعضا و جوارح انسان، حدوث دو واقعه‌ی «عبور از مرز» و توسل به «اجبار یا اکراه یا خدعه یا سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت خود یا وضعیت قربانی» را برای تحقق جرم لازم دانسته است. اساساً بر پایه‌ی همین دو عامل است که وضعیت آسیب‌پذیری و ضرورت جرم‌انگاری قاچاق انسان و حمایت از بزه‌دیدگان، توجیه می‌گردد. (حبیب‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۶۹) چه این‌که عنصری به نام غربت و بی‌کسی بزه‌دیده در کشور غیرمتبوع خود، عدم آشنایی به زبان و آداب و رسوم آن کشور، نداشتن مدارک هویت، آسیب‌پذیری او را به حداکثر ممکن می‌رساند. تاکنون انتقادات زیادی در خصوص عدم تحقق قاچاق انسان در درون مرزی‌های داخلی صورت پذیرفته است. کنوانسیون اتحادیه‌ی آسیای شرقی برای همکاری منطقه‌ای راجع به پیشگیری و مبارزه با قاچاق زنان و کودکان برای روسپی‌گری و پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در خصوص فروش، فحشا و هرزه‌نگاری اطفال می‌باشد که وقوع جرم مزبور را در درون مرزها به رسمیت شناخته است. (شمس‌ناتری، ۱۳۸۰: ۱۶۰)

لازم به یادآوری است که ماده‌ی ۲ قانون مجازات قاچاق انسان ایران در توسیع دامنه‌ی این جرم، تشکیل یا اداره‌ی دسته یا گروهی که هدف آن انجام امور موضوع ماده‌ی ۱ این قانون باشد، عبور دادن (وارد کردن یا خارج کردن با ترانزیت)، حمل یا انتقال غیرمجاز فرد یا افراد به‌طور سازمان‌یافته برای فحشا یا سایر مقاصد موضوع ماده‌ی ۱ هرچند توأم با رضایت آنان باشد، عبور دادن، حمل یا انتقال غیر مجاز افراد به قصد فحشا، هرچند با رضایت خود آنها باشد را در حکم قاچاق تلقی نموده که با توجه به قاچاق بودن برخی از مصادیق مذکور، مثل

ترانزیت غیر مجاز افراد به قصد فحشا، در حکم قاچاق اعلام کردن آنها محل تأمل است. از این رو، ضرورت بازنگری این شق از تعریف، چه از حیث قاچاق اعلام نمودن مصادیق در حکم قاچاق (بندهای ب و ج ماده‌ی مزبور) و چه از جهت اتخاذ موضع بی‌اعتنایی نسبت به مسأله‌ی رضایت بزه‌دیدگان احساس می‌گردد؛ چرا که، این نوع رضایت که عمدتاً معطوف به مراحل اولیه‌ی قاچاق بوده و نه کل مراحل آن، در تحقق اصل بزه، بی‌تأثیر می‌نماید. بر همین پایه، پروتکل الحاقی نیز معترف است که اراده‌ی آزاد قربانی در پرتو اجبار یا سوءاستفاده از قدرت، موقعیت و نظیر آنها به‌گونه‌ای محدود می‌گردد که از حیث اعتبار محلی از اعراب نخواهد داشت. (خالقی، ۱۳۸۸)

تشابه و تفاوت قاچاق انسان^۱ و قاچاق مهاجران^۲

جنبه‌ی فراملی داشتن، جاذبه‌های مجرمانه، انتقال از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه‌یافته - عمدتاً - و سازمان‌یافته بودن، از جمله موارد تشابه بین قاچاق انسان و قاچاق مهاجر به‌شمار می‌رود. (خالقی، ۱۳۸۸: ۹۳-۱۰۳) این دو در موارد عدیده‌ای نیز تفاوت‌های اساسی با هم دارند؛ زیرا هدف نهایی در توسل به قاچاق مهاجران عبور دادن غیرقانونی از مرزهاست، در حالی که در قاچاق انسان هدف غایی عبور از مرز بهره‌برداری جنسی، کار اجباری، ازدواج و برداشت اعضا می‌باشد. از این رو، عبور دادن از مرز در این جرم، طریقت دارد نه موضوعیت. وانگهی، در قاچاق مهاجران، موضوع جرم، عام بوده و شامل پسران، دختران، کودکان و مردان به‌ویژه جوان می‌شود؛ در حالی که موضوع قاچاق انسان، بیشتر زنان و کودکان می‌باشند. به هر حال در خصوص قاچاق انسان، ورود به مقصد، نقطه‌ی آغازین به‌کارگیری اجباری، فحشا، بردگی و ازدواج تحمیلی است. به‌عبارت دیگر، در قاچاق انسان، «مجنی علیهم»، موضوع جرایم بعدی قرار خواهند گرفت. (لنگرودی، ۱۳۷۷: ۱۵۵-۱۵۶) به علاوه، رضایت بزه‌دیده در فرایند مهاجرت، واقعی و غیرصوری بوده، به‌طوری

1 - Trafficking of human beings
2 - Smuggling of migrants

که وی مبلغ مناسبی را در این راه به قاچاقچی پرداخت می‌کند تا وی را از مرز عبور دهد. در حالی که پدیده‌ی قاچاق انسان بر بی‌رضایتی توأم با تهدید و اغفال بزه‌دیده - که در حکم عدم رضایت است - استوار بوده و این قاچاقچی است که اقدام به پرداخت وجه به او می‌نماید.

مبنای صلاحیت دادگاه‌های ایران در رسیدگی به جرم قاچاق انسان

وقوع جرم در خاک ایران

به موجب ماده‌ی ۵ قانون مدنی ایران^۱ که مطلق سکنه‌ی ایران، اعم از داخلی و خارجی را تابع قانون داخلی دانسته و به استناد ماده‌ی ۳ قانون مجازات اسلامی^۲ که به حاکمیت قوانین کیفری ایران بر کلیه‌ی تابعان آن، اعم از داخلی و خارجی تصریح کرده است، دولت ایران خود را صالح دانسته تا بر پایه‌ی اصل صلاحیت سرزمینی، به وقوع هر جرمی از جمله قاچاق انسان در قلمرو حاکمیت خود، رسیدگی کند تا بدین نحو، نظم عمومی را در کشور، به بهترین وجه ممکن مستقر سازد.

در تحقق این صلاحیت، محل اقامت مرتکب یا بزه‌دیده بی‌تأثیر بوده و یک تبعه‌ی خارجی که در خارج از کشور اقامت دارد، لکن به‌طور موقت در خاک ایران محل وقوع جرم حضور یافته، تابع قوانین کیفری این کشور است. (نجفی، ۷۴-۱۳۷۳: ۴۰) بنابراین، ارتکاب فرض‌های مختلف قاچاق انسان توسط مرتکبان در خاک ایران، مطابق اصل مزبور، قابل پیگرد و مجازات خواهد بود. هم‌چنین چنان‌چه بخشی از جرم در خاک ایران واقع شده باشد، در حکم جرم واقع شده در ایران محسوب شده و به استناد ماده‌ی ۴ قانون مجازات اسلامی، دولت ایران صالح به رسیدگی است.^۳ در نتیجه هر یک از اجزای قاچاق انسان که در قلمرو ایران رخ داده باشد، برای دادگاه‌های ایران حق صلاحیت رسیدگی ایجاد می‌کند.

۱ - ماده‌ی ۵ قانون مدنی ایران: «کلیه‌ی سکنه‌ی ایران از اتباع داخله و خارجه، مطیع قوانین ایران خواهند بود؛ مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد.»

۲ - ماده‌ی ۳ قانون مجازات اسلامی: «قوانین جزایی درباره‌ی کلیه‌ی کسانی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند، اعمال می‌گردد. مگر آن که به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.»

۳ - ماده‌ی ۴ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه قسمتی از جرم در ایران واقع و نتیجه‌ی آن خارج از قلمرو حاکمیت ایران حاصل شود و یا قسمتی از جرم در ایران و یا در خارج و نتیجه‌ی آن در ایران حاصل شود، در حکم جرم واقع شده در ایران است.»

وقوع جرم در خارج از خاک ایران از سوی اتباع ایران

اكتفا کردن به اصل صلاحیت سرزمینی که اقتضای آن، صرفاً رسیدگی به جرایم ارتكابی در کشور است، سبب بی‌کیفر ماندن اعمال کسانی می‌شود که در خارج از کشور مرتکب جرم شده‌اند. به همین دلیل، جهت تکمیل اصل صلاحیت سرزمینی، اصول دیگری هم‌چون اصل شخصی فعال یا مثبت، برای رسیدگی به جرایم ایرانیان در خارج کشور، پیش‌بینی شده است. (نجفی، ۱۳۸۸: ۴۰) بنابراین، دادگاه‌های ایران، در خصوص قاجاق انسان در خارج از کشور از سوی اتباع خود، مطابق این اصل خود را صالح به رسیدگی می‌دانند.

وقوع جرم در خارج از خاک ایران توسط اتباع بیگانه علیه اتباع ایران

تحقق پدیده‌ی قاجاق انسان در خارج از قلمرو ایران توسط بیگانگان، چنان‌چه بزه‌دیده‌ی آنها اتباع ایرانی باشد، وفق ماده‌ی ۶ لایحه‌ی مصوب مجازات اسلامی و به اعتبار صلاحیت شخصی منفعل در دادگاه‌های ایران قابل رسیدگی است که در صورت تصویب قانون‌گذار و تأیید نهایی از سوی شورای نگهبان، گام مهمی در جهت حمایت کیفری دولت از شهروندان خود در خارج از کشور برداشته خواهد شد. چرا که این نکته در قانون مجازات فعلی، مغفول واقع شده است. اما در خصوص ارتکاب این جرم نفرت‌انگیز توسط بیگانگان در خارج از کشور، نظر به این که ایران تاکنون به کنوانسیون پالمو و پروتکل‌های الحاقی آن نپیوسته و از طرفی، کنوانسیون رسیدگی توسط کشورهای غیرعضو را پیش‌بینی نکرده، صالح به رسیدگی نمی‌باشد.

سزاگرایی قانون مبارزه با قاجاق انسان

قانون مبارزه با قاجاق انسان مصوب سال ۱۳۸۳ اساس کار خود را بر مجازات مرتکبان قرار داده و از تدابیر اجتماعی کارآمد، غافل مانده است. ماده‌ی ۳ این قانون، حبس دو تا ده سال و پرداخت جزایی نقدی معادل دو برابر اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه‌دیده یا شخص ثالث و عده‌ی پرداخت آن به مرتکب داده شده، پیش‌بینی کرده است. البته در صورتی که بزه‌دیده کم‌تر از ۱۸ سال سن داشته باشد، مجازات مرتکب حداکثر میزان مزبور خواهد بود، تا از این طریق، حساسیت ویژه‌ی خود را نسبت به کودکان و نوجوانانی که به

خاطر عدم رشدیافتگی بیش از سایر اقشار در مخاطره قرار دارند، به تصویر کشیده باشد. هم‌چنین کارمند دولت بودن مرتکب و نیز داشتن شخصیت حقوقی - که پیش‌بینی مسئولیت کیفری آن قابل توجه است - موجب الحاق مجازات‌های تکمیلی الزامی مثل انفصال موقت یا دائم از خدمت به مجازات‌های اصلی گردیده است. هر چند ضمانت اجرای کیفری، هر چند شدید، در برخورد با جرایم سازمان‌یافته و خطرناک امری قابل درک است، لکن به موازات آن، ضرورت دارد که در رفتار با بزه‌دیدگان - به‌ویژه اطفال قربانی - یک عدالت ترمیمی و حمایتی را به نمایش گذارد و آنها را تحت نظارت مستمر قرار دهد. (نجفی، ۷۴-۱۳۷۳)

امروزه، جهت‌گیری اسناد بین‌المللی، اعلامیه‌ها و رویکرد قوانین رو به تحول کشورهای مختلف، نسبت به بازسازی و ترمیم لطمات و صدمات وارده بر قربانی جنایات به‌ویژه از نوع سازمان‌یافته‌ای هم‌چون قاچاق انسان - خالق جنبشی تمام‌عیار در راستای دفاع از حقوق قربانیان جرم مزبور گردیده، تا بدین ترتیب، شاهد ظهور یک سیاست جنایی بزه‌دیده‌مدار باشیم. آن‌چنان سیاستی که در هر کدام از مراحل پس از وقوع جرم^۱، مرحله‌ی قصاص^۲ و مرحله‌ی جبران خسارت^۳، مؤثر در مقام خواهد بود. (نجفی، ۱۳۸۹: ۳۲۹-۳۲۰) هم‌چنین باید دقت نمود که گرایش به کارکرد پیامد‌گرای «بازدارندگی» و «طرد» کیفر، کارکرد فایده‌گرای دیگر آن یعنی بازپروری مجرمان را کم رنگ ننماید. (علیایی زند، ۱۳۸۱: ۷۴۶)؛ همان نکته‌ی ظریفی که در تصویب قانون قاچاق انسان مورد توجه قانون‌گذار ایران قرار نگرفته است. گرچه گرانیگاه عدالت ترمیمی بر پایه‌ی مشارکت بزه‌کار در ترمیم خسارت ناشی از جرم استوار است، اما امروزه گستره‌ی این جلوه از سیاست جنایی مشارکتی، ترمیم شخصیت بزه‌کار و تعامل - به‌جای تقابل - با وی را نیز شامل می‌شود. بدیهی است که دفاع اجتماعی نیز از این مجرای این راهبرد به وجه نیکو تضمین خواهد شد.

۱ - مثل پرداخت مبلغی به صورت علی‌الحساب و به عهده گرفتن سرنوشت بزه دیده از سوی انجمن‌های حمایت از بزه‌دیدگان.

۲ - مثل استفاده از نهاد میانجی‌گری.

۳ - مثل ترمیم خسارت مادی از طریق اشخاص حقوقی؛ هم‌چون صندوق ملی و تأسیس و استفاده از مؤسسات فرهنگی و انجمن‌های حامی بزه‌دیدگان در ترمیم آسیب‌های روحی - عاطفی وارده بر قربانیان.

زمینه‌های گسترش پدیده‌ی قاجاق انسان

سیاست کیفری سزاگرای محض در برخورد با پدیده‌ی اپیدمی شده‌ی قاجاق انسان، بدون ژرف اندیشی در علل و زمینه‌های آن و عدم به‌کارگیری مکانیسم‌های پیشگیری، توفیق چندانی نخواهد داشت. افزایش فزاینده‌ی نرخ این جرم در اغلب کشورها، به‌رغم واکنش‌های شدید، مؤید این مدعاست، که در این قسمت به عمده‌ترین عوامل و شرایط تأثیر گذار آن، خاصه در ایران اشاره می‌شود.

معضلات اقتصادی

از نظر جامعه‌شناسی جنایی، فضای بیمارگونه‌ی کشورهای مبدأ به‌عنوان یک عامل رانشی و اقتصاد فعال و پویای کشورهای مقصد به‌عنوان یک عامل کششی، فضای مناسب را برای فعالیت سازمان‌یافته و گسترده‌ی باندهای قاجاق انسان فراهم نموده تا با بهشت برین توصیف کردن فضای آن‌سوی مرزها، میلیون‌ها نفر را به دام اندازد و از این رهگذر به‌اندیشه‌ی مذموم خود در بهره‌کشی از قربانیان به‌ویژه زنان جامه‌ی عمل بپوشانند. چه این که این قشر از جامعه به دلیل موقعیت فرودست اجتماعی و اقتصادی‌شان در کارهای موقت، بعضاً حقیر، انعطاف‌پذیر و پاره‌وقت و تحت شرایط غیرانسانی به‌خدمت گرفته می‌شوند تا عملاً به بهای ارزان در تسخیر عوامل قاجاق درآمده و به تبع فشار اقتصادی مطیع منویات آنان باشند. پیرو این واقعیت است که در بسیاری از کشورها، مثل اندونزی، از پدیده‌ی زانه شدن مهاجرت سخن به میان آمده است، چه این که ۵۶٪ از آمار قربانیان قاجاق به این گروه اختصاص یافته است. (السان، ۱۳۸۴)

با این وصف، نظر به جهان‌شمول شدن پدیده‌ی قاجاق انسان، بیهوده نخواهد بود که از آن به‌عنوان صنعت قاجاق یاد شود؛ صنعت آلوده‌ای که برای سودگران آن سودهای کلان و سرسام‌آوری را از طریق اجبار به‌کار، استفاده از اعضا، کار خانگی و البته صنعت سکس به ارمان آورده است. عمده‌ی افرادی که قاجاق می‌شوند، پس از انتقال به کشور مقصد، به واسطه‌ی بی‌کسی و بی‌پناهی، نداشتن اوراق هویت، نیاز مالی و ... ، به ناچار خواسته‌های

ننگین شبکه‌های قاچاق تن داده و هم‌چون برده‌های مطیع، در خدمت خواسته‌ی شوم آنان قرار گرفته تا در نهایت مورد استثمار واقع شوند.

فقدان امنیت و التهابات داخلی

مافیای قاچاق انسان، بیشتر در کشورهای ناآرام و بی‌ثباتی که مردمان آن به واسطه‌ی جنگ‌های داخلی، منازعات سیاسی و بحران‌های پی‌درپی، خواهان سکنی‌گزینی در کشورهای امن هستند، خیمه می‌زند تا از چنین فضای غبارآلودی، سوءاستفاده نموده و با انتشار آگهی‌های جذاب، دروغین، منادی نجات اشخاص از جهنم ناامنی، فقر و سیه‌روزی و استقرار آنها در یک کشور امن و حاصل‌خیز شود؛ لکن در نهایت مجذوبان و فریب‌خوردگان را جهت سوءاستفاده‌های جنسی، بیگاری و ازدواج اجباری در تسخیر خویش در می‌آورند. (صادقی، ۱۳۸۵)

در گزارشی که وزارت کشور انگلیس ارائه کرده، اصلی‌ترین مبادی ترافیک انسانی، کشورهای بلوک شرق سابق به‌ویژه منطقه‌ی بالکان و هم‌چنین آسیای جنوب شرقی، خاصه چین و تایلند تشخیص داده شده است. (به نقل از ایرنا، ۱۳۸۴/۱۰/۱۶) کشور ما نیز که به لحاظ موقعیت جغرافیایی آن، چهارراه بین شرق و غرب محسوب می‌شود و به‌نوعی - دست کم به‌عنوان کشور محل عبور - بزه‌دیده‌ی این جرم فراملی است، به مانند سایر کشورها، ناگزیر خواهد بود که برای پیشگیری و مبارزه‌ی مؤثر با این جرم جهانی شده که استفاده‌ی ابرازی از انسان را سرلوحه‌ی کار خود قرار داده است، نسبت به سیاست جنایی جهانی در این خصوص، هم‌گرایی بیش‌تری نشان داده و با الحاق به کنوانسیون پالمو به منصفه‌ی اجرا گذاردن راه‌کارهای آن - از جمله تأمین امنیت شهروندان و تقویت هرچه بیش‌تر مرزهای کشور - گام مؤثری را در این زمینه بردارد. (ابوجعفر، ۱۳۱۷)

عدم جرم‌انگاری یا جرم‌انگاری ناقص

بی‌تردید از جمله عوامل تزیید بهره‌کشی انسان، بی‌اعتنایی و عدم هم‌سویی برخی از کشورها با جنبش جهانی مبارزه با پدیده‌ی قاچاق است تا به‌عنوان مبدأ یا مقصد یا ترانزیت یا هر سه، جولانگاه مافیای قاچاق باشد. شاهد مثال این موضوع، ازبکستان است که به‌واسطه‌ی

عدم عزم راسخ در مبارزه با این واقعه‌ی زشت به‌عنوان مرکز ثقل قاچاق زنان به کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس، تایلند، کره، آمریکا و یونان در آمده است. (ذاقلی، ۱۳۸۹: ۲۶۹-۲۷۱)

در خصوص سیاست جنایی ایران، تنها حسن قانون مبارزه با قاچاق انسان، تصویب آن بوده تا به‌ظاهر شاهد رفع خلأ تقنینی در این زمینه باشیم؛ در غیر این صورت، بنابر موارد پیش گفته و آنچه که در مباحث بعدی خواهد آمد، افق روشنی را در مصاف با این پدیده‌ی دردناک نمی‌توان تصور کرد.

فقر فرهنگی، افول باورهای مذهبی و ...

تبعیض جنسیتی، بی‌سوادی یا کم‌سواد، فرصت‌های نابرابر شغلی و مدیریتی زنان و مردان، تنش‌های خانوادگی، ازدواج اجباری، جهل و ناآگاهی، شیدایی نسبت به جهان خارج و نفرت از کشور متبوع، تبلیغات گسترده‌ی شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی، عدم جذابیت فرهنگ حاکم بر کشور، عدم اهتمام به حقوق بشر در کشورهای محل زندگی، شکاف بین مردم و دولت، عدم احترام به اقلیت‌های مذهبی و نژادی، فرار دختران از خانواده‌های پرالتهاب و نابسامان، افزایش جمعیت، پدیده‌ی طلاق و مادی‌گرایی از دیگر عواملی به‌شمار می‌روند که به گمان ما در تشدید واقعه‌ی قاچاق نقش آفرین می‌باشند. از این‌رو، اتخاذ تدابیر پیش‌گیرنده و هم‌سویی و همکاری کلیه‌ی ارگان‌های تأثیرگذار اجتماعی در رفع نواقص مزبور - در چارچوب ارزش‌های دینی و مذهبی - رهیافت بی‌بدیل دیگری است که اهتمام به آن اجتناب‌ناپذیر می‌باشد.

هزینه‌ی پایین جرم

تجری مرتکبان در بستر فرصت‌های فرا روی آنان در فزاینده‌ی جرم قاچاق، حقیقت دیگری است که ضرورت دارد مطمح نظر علت‌شناسان جنایی قرار گیرد. بنابراین، تقویت کنترل‌های اجتماعی، اصلاح قوانین و اتخاذ تدابیر بازدارنده‌ای از قبیل موارد ذیل، حیاتی و گریزناپذیر می‌نماید.

وضع جرایم مانع

سیاست جنایی تقنینی کشورهای مختلف با تأسی از اندیشه‌ی ژرمی بنتام انگلیسی، در مقام جرم‌انگاری اعمال و رفتارهایی برآمده‌اند که مقدمه‌ی ظهور جرایم اصلی‌اند. هدف از اتخاذ این راهبرد، به

ثمر ننشستن جرایم مهم بر پایه‌ی بازدارندگی از ارتکاب جرایم موسوم به مانع - مثل حمل اسلحه‌ی غیرمجاز، تکدی‌گری، ول‌گردی، اعتیاد، رانندگی در حین مستی - می‌باشد. (نجفی، ۱۳۸۰: ۲۶)

از آن‌جا که قاچاق اشخاص و مهاجران اغلب مسبوق به جعل مدارک هویت و مجوز عبور است، ضروری می‌نماید برای افزایش هزینه‌ی جرم و تقویت اثر بازدارندگی آن، جعل اسناد هویت و مدارک گذر با انگیزه‌ی قاچاق، با مجازاتی بیش از مجازات جعل بدون انگیزه‌ی موصوف مواجه شود.

جرم‌انگاری صرف عضویت در گروه‌های سازمان‌یافته و جرم‌انگاری تشکیل دسته یا گروه برای قاچاق - که مورد توجه قانون قاچاق ایران نیز قرار گرفته، (ماده‌ی ۲) - در زمره‌ی موانع تحقق جرم قاچاق انسان قرار می‌گیرند.

اهتمام به ماهیت سازمان یافتگی جرم و حذف نهادهای مغایر با قطعیت مجازات‌ها

قاچاق انسان در چارچوب جرایم سازمان‌یافته‌ی بین‌المللی قرار دارد و چه بسا شبکه‌ی بزرگی مرکب از صدها نفر عامل برای یافتن طعمه، تطمیع، تحریک، تهدید، جذب، نگهداری، صدور و ترانزیت وجود داشته باشد. (Smart, 2003: 335) بنابراین، وضعیت خاص این جرم، شدت برخورد با معاونان و برابری مجازات آنها با فاعلان و شرکا را توجیه می‌نماید که در قانون مبارزه با قاچاق ۱۳۸۳ ایران مورد قبول قرار نگرفته است.

بر پایه‌ی همین منطق، عدم قابلیت تعلیق مجازات جرم، عدم امکان اعطای آزادی مشروط و عفو نیز قابل توجیه خواهد بود که متأسفانه قانون مزبور، متعرض این موارد نشده است. بسی جای تعجب است که از منظر قانون ایران، مجازات آدم‌ربایی غیرقابل تعلیق اعلام شده^۱، اما مجازات جرم سازمان‌یافته‌ای هم چون قاچاق انسان، قابل تعلیق باشد. بدیهی است، نتیجه‌ی چنین تسامحی، تجری و تهییج هر چه بیشتر قاصدان برای ارتکاب این جرم را در پی خواهد داشت.

۱ - بند ۲ ماده‌ی ۳۰ قانون مجازات اسلامی.

برهم زدن معادله‌ی جرم

اتحاد تدابیری که قادر به برهم زدن شرایط و اوضاع ما قبل جرم گردد نیز از دیگر راهکارهای پیشگیری از تحقق جرم قاچاق انسان است که اهتمام به آنها از هر حیث حائز اهمیت و در خور توجه است. به همین منظور دولت‌های عضو کنوانسیون پالرمو پذیرفته‌اند که در صدور اسناد و مدارک هویت و عبور، وقت بیشتری صرف نموده تا امکان سوءاستفاده یا جعل آنها را به حداقل برسانند. هم‌چنین باید کیفیت اسناد شناسایی یا مسافرت به گونه‌ای باشد تا به سادگی مورد سوءاستفاده قرار نگیرد.^۱ به علاوه، دولت‌های عضو متعهد، ملزم شدند که تا جایی که ممکن است، سلامت و تمامیت اسناد مسافرت یا هویت صادره از جانب خود را تضمین کنند تا جلوی ایجاد، صدور و استفاده‌ی غیرقانونی از آنها گرفته شود.^۲ نظارت دقیق بر آژانس‌های مسافرتی، کنترل دقیق مبادی ورود و خروج کشور، اطلاع‌رسانی مطلوب، دادن هشدارهای به موقع و آموزش همگانی در همین چارچوب قابل پیگیری است.

گردشگران جنسی

از دیگر عوامل مهم و مؤثر در تحرک و پویایی شبکه‌های قاچاق انسان، درخواست ارائه‌ی خدمات و سرویس جنسی از سوی گردشگران آن است که از جمله مهم‌ترین دلایل عزیمت آنها به کشورهای مختلفی مثل برزیل، کنیا، تایلند، کشورهای عربی و... است. متأسفانه عزم جهانی برای ریشه‌کنی بازار تجارت جنسی، به جهت عدم مخالفت با فعالیت کاباره‌ها و اماکنی که با مجوز دولت‌ها مشغول ارائه‌ی خدمات گسترده‌ی جنسی هستند، توفیق چندانی حاصل نکرده است. بسیاری از کشورها، از طرفی، اقدام به جرم‌انگاری قاچاق انسان نموده‌اند و حتی با الحاق به کنوانسیون پالرمو و پروتکل‌های الحاقی آن، هم‌گرایی خود را با جامعه‌ی جهانی و اسناد بین‌المللی نشان داده‌اند و از سوی دیگر، با صدور مجوز ارائه‌ی خدمات جنسی، محرک سازمان‌های دست‌اندرکار قاچاق گردیده، عملاً تعارض آشکاری را رقم زده‌اند.

۱ - بند (a) ماده‌ی ۲ پروتکل الحاقی به کنوانسیون پالرمو.
 ۲ - بند (b) ماده‌ی ۲ پروتکل الحاقی به کنوانسیون پالرمو.

بنابراین، جرم‌انگاری صرف و تصویب معاهدات بین‌المللی و منطقه‌ای، به نهادهای عدالت کیفری بین‌المللی و داخلی در تقابل با پدیده‌ی جهانی قاچاق، کمک شایانی نمی‌نماید. از این‌رو، اقدام به تعطیلی بنگاه‌ها و فاحشه‌خانه‌های ارائه‌دهنده‌ی سرویس جنسی، علاوه بر تدابیر پیش گفته، مثل ایجاد فرصت‌های شغلی پاک برای کارکنان این اماکن و تقویت مؤسسات کاریابی، نظارت دقیق و مستمر بر آژانس‌های مسافرتی و ارتقای سطح آگاهی همگانی - به‌ویژه روستاییان و اقشار بی‌سواد - کم‌سواد، متضمن موفقیت قوانین داخلی و بین‌المللی در این زمینه است. (Zenit, 2004)

فقدان سیاست جنایی بزه‌دیده مدار

ممنوعیت بی‌قید و شرط قاچاق انسان و واکنش کیفری علیه بزه‌کاران آن، هر چند اقدامی ضروری است، لکن کافی و جامع به‌نظر نمی‌رسد. چه این که بدون اتخاذ تدابیر حمایتی، قربانیان این فاجعه‌ی بشری، جسارت و شهادت کافی برای معرفی خود و شکایت از قاچاقچیان و اغفال‌کنندگان را نداشته و همین امر موجبات تجری هر چه بیشتر مرتکبان، در استمرار فعالیت را فراهم خواهد ساخت. از این‌رو، اجرای جامع حمایت از بزه‌دیدگان، برای ترمیم صدمات وارده بر آنان و نیز جلوگیری از گسترش پدیده‌ی قاچاق ضروری است. بدون تردید، بزه‌دیدگان قاچاق - به‌ویژه نوع جنسی آن - تا زمانی که اطمینان از حمایت دولت و جامعه و خانواده نداشته باشند؛ و تا مادامی که خوف از دستگیری و مجازات داشته باشند، اقدام به شکایت نخواهند کرد و در معرفی عوامل قاچاق، انگیزه‌ای نخواهند داشت. به‌عنوان مثال، وضعیت رقت‌بار اقتصادی اوکراین در سال ۲۰۰۱، دختری به‌نام تاتیانا^۱ را وادار کرد تا به واسطه‌ی راهنمایی دوستانش، برای خدمتکاری در خانه‌های اعیان اماراتی، وارد این کشور شود. لکن به محض ورود، گذرنامه او ضبط و به مبلغ ۷۰۰۰ دلار به فاحشه‌خانه‌ای فروخته شد. هر چند وی برای باز پرداخت بدهی خود تن به بهره‌کشی جنسی داد، لکن در یک فرصت مناسب اقدام به فرار کرد و از پلیس تقاضای کمک نمود؛ لکن به دلیل اشتغال در

1 -Tatyana

فاحشه خانه به سه سال حبس محکوم شد. (ذاقلی، ۱۳۸۹: ۳۲۹) در ایران نیز با توجه به قوانین کیفری موجود، هیچ تضمینی برای عدم محاکمه‌ی قربانیان جرم مزبور وجود ندارد و قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳/۴/۲۸ نیز ممنوعیتی در این خصوص قایل نشده است. قربانیان مورد بحث، یا به واسطه‌ی اجبار و تهدید در دام شبکه‌های قاچاق اسیر می‌شوند و یا این‌که به‌ظاهر با رضایت خود با آنان همراهی می‌کنند. از آن‌جایی که این نوع رضایت به واسطه‌ی عدم اطلاع از سرنوشت رقت‌انگیز در انتظار آنان است، چندان اعتباری ندارد. بنابراین، لازم است چتر حمایتی جامعه‌ی جهانی و دولت‌ها مشمول مطلق قربانیان، فارغ از عنصر رضایت و عدم رضایت گردد. (Smart, 2003: 9) متعاقب همین تفکر، بند ب ماده‌ی ۳ پروتکل الحاقی به کنوانسیون پالمو، حمایت از تمامی بزه‌دیدگان، اعم از مجبورشدگان و رضایت‌مندان را مورد تصریح قرار داده است. سیاست معافیت از مجازات توبه‌کنندگان، اقرارکنندگان و همکاری‌کنندگان نه تنها در شرع مقدس اسلام، بلکه در قوانین کیفری ایران نیز بی‌سابقه نیست. به‌عنوان مثال، از آن‌جایی که تعقیب و دستگیری جاعلان اسکناس و دست‌اندرکاران قلب سکه که عمدتاً به‌صورت گروهی و بانندی و گاهی فرامرضی عمل می‌کنند، مشکل می‌باشد؛ تشویق افرادی از درون خود آنها به همکاری با مراجع انتظامی و قضایی با اعطای پاداش معافیت از مجازات، بهترین راه برای مبارزه با این‌گونه باندهای تبه‌کار است. (The Race dimensions, 2006) از این‌رو، شایسته است به طریق اولی رویکرد مزبور نسبت به قربانیان جرایم سازمان‌یافته، هم‌چون قاچاق انسان نیز تسری یابد نیز تسری یابد تا از این رهگذر قربانیان قاچاق افزودنی است، تحقق منکری چون زنا در فرایند قاچاق انسان، از دو حالت خارج نیست؛ یا بزه‌دیده تحت اجبار و تهدید تن به این عمل داده که در این‌صورت مبرای از مسئولیت کیفری است و یا این‌که نسبت به آن طوع و رغبت نشان داده که به گمان ما در این حالت، درک چگونگی واکنش علیه وی چندان ساده نیست. از یک‌سو، می‌توان بر پایه‌ی برداشت اولیه از آموزه‌های دینی به اعمال مجازات ثابت زنا - حسب مورد، شلاق، رجم یا قتل - بر مرتکب معتقد بود که نتیجه‌ی این پنداشت، بی‌انگیزگی این دسته از اشخاص در رجعت به موطن خویش و همکاری با مأموران تعقیب در شناسایی مافیای فساد و

دستگیری سران آن می‌باشد. از سوی دیگر، می‌توان با طریقت قائل شدن برای مجازات‌های شرعی، آنها را مادام‌المصلحه دانست (IOM, 2003:721) و راه را برای جرح، تعدیل و تخفیفشان هموار کرد. بنابراین، ضروری است بر پایه‌ی این دیدگاه، دامنه‌ی ماده‌ی ۲۲ قانون مجازات اسلامی در پرتو ژرف‌اندیشی فقهای متجدد و نواندیشی قانون‌گذار، به مجازات‌های شرعی نیز توسعه داد تا متعاقبت این تدبیر افراد مزبور را در رجعت به زادگاه خود و همکاری با دستگاه عدالت ترغیب نمود و واجد انگیزه کرد. بدیهی است، در صورت احراز ندامت این افراد، می‌توان از راه‌کار شرعی موجود یعنی نهاد توبه نیز در جهت سقوط مجازات بهره برد و به نوعی این مشکل را کاهش داد.

ضرورت الحاق ایران به کنوانسیون پالمو و پروتکل الحاقی

هر چند واکنش قانون‌گذار ایران در برخورد با جرم قاچاق انسان به‌عنوان یکی از بلائی‌های خاموش و مخرب بشری، با تصویب قانون ۱۳۸۳، قابل تحسین بوده و به هیچ وجه کم اهمیت تلقی نمی‌شود، لکن با عدم الحاق به کنوانسیون پالمو و پروتکل الحاقی راجع به پیشگیری، منع و مجازات قاچاق انسان به‌ویژه زنان و کودکان، درک کاملی از عمق این مصیبت فراملی از خود نشان نداده است؛ از این‌رو، این نکته‌ی اساسی که مبارزه‌ی کارآمد با جرایم سازمان‌یافته‌ی جهانی، در گرو همکاری فراگیر کلیه‌ی کشورها و هم‌سویی آنها با اسناد بین‌المللی است، مغفول واقع شده است. نادیده گرفتن وصف فراملی این جرم، منجر به عدم پیش‌بینی فرایند همکاری‌های بین‌المللی در این زمینه و عدم اهتمام به اسناد مزبور، منتهی به بی‌توجهی حمایت از قربانیان و فراهم نکردن زمینه‌ی بازگشت بی‌دغدغه آنان و هم‌چنین عدم تأکید بر اهمیت پیشگیری گردیده است. نظر به این‌که قاچاق انسان در وضعیت امروزی به‌عنوان یک پدیده گسترش یافته جهانی جلوه نموده، شایسته است، عکس‌العملی جهانی و فراگیر علیه آن صورت پذیرد و هم‌نوایی کشورها با یکدیگر و هم‌سویی با سازمان ملل متحد و اسناد جهانی به نحو کامل‌تری در معرض عمل گذارده شود. اکنون که بیش از ۶ سال از زمان تصویب مبارزه با قاچاق انسان در ایران می‌گذرد، زمان آن فرار رسیده تا علاوه بر اصلاحات اساسی آن

توسط مجلس، موضوع الحاق به کنوانسیون مزبور و پروتکل الحاقی آن، به‌طور جدی در دستور کار دولت قرار گیرد؛ زیرا عملاً ادبیات حقوقی جامعی در خصوص پیشگیری، منع و مجازات قاجاق انسان در این سند مهم بین‌المللی ملاحظه می‌شود، چرا که ضمن جرم‌انگاری قاجاق انسان، به صراحت از قربانیان این جرایم حمایت نموده و روش‌هایی را برای جبران خسارت وارده به آنها، پیش‌بینی کرده است. (خالقی، ۱۳۸۸: ۹۳)

اضافه می‌نماید به‌رغم عدم الحاق ایران به این کنوانسیون، موافقت‌نامه‌های امنیتی معتابهی در خصوص جرایم سازمان‌یافته از جمله قاجاق انسان منعقد شده که نشان از درک مقنن از اهمیت این پدیده شوم است. انعقاد موافقت‌نامه با کشورهای ایتالیا، عربستان، یونان، بوسنی و هرزگوین، افغانستان و بحرین با رویکرد تأمین امنیت و مقابله با این سنخ از تبهکاری، بر همین پایه بوده است. کنترل تردد از مرزها و اتباع خارجی، صب کانال، سیم خاردار، کنترل‌های انتظامی، ایجاد سامانه‌های هوشمندکنترل مرزی حاوی اطلاعات افراد - به‌ویژه سابقه‌داران - و برگزاری دوره‌های آموزشی برای مأموران، تبادل تجارب و اطلاعات در رابطه‌ی با فناوری‌های پیشگیری و مقابله با جعل اسناد، از جمله راهبردهای مرضی‌الطرفین بوده است. معهدا به‌نظر می‌رسد، اثربخشی این‌گونه توافقات منوط به ارائه‌ی راه‌کارهای عملی و محسوس‌تری به‌ویژه در حوزه‌ی پیشگیری اجتماعی از قاجاق انسان، مثل تسهیل مسافرت قانونی اتباع هر کشور دیگر به‌منظور پیشگیری از گرفتار شدن آنان در دام قاجاقچیان با شد.

(Protocol to Prevent, 2000)

تأسیس دادگاه تخصصی و معکوس شدن بار اثبات دلیل

پیچیدگی، گسترش، سازمان‌یافتگی، اهمیت و حساسیت فوق‌العاده‌ی پدیده‌ی قاجاق انسان، اقتضای اتخاذ یک سیاست جنایی افتراقی درخصوص نحوه‌ی رسیدگی و استقرار بار اثبات دلیل را دارد. هر چند نه در کنوانسیون پالرمو و نه پروتکل‌های الحاقی. در این مورد، تصریحی صورت نگرفته، اما ابتکار دولت‌های عضو برای انجام محاکمات دقیق و فنی جانین این جرم به بهترین وجه ممکن، پاسخ‌گوی دغدغه‌ی جامعه‌ی جهانی و ملی در این زمینه

خواهد بود. اهمیت این رخداد سیاه جهانی، نه تنها کم‌تر از جرایم اقتصادی، محیط زیست، اطفال و نظامی - که در دادگاه‌های تخصصی رسیدگی می‌شوند - نیست که به مراتب مهم‌تر می‌باشد. هم‌چنین دشواری اعمال اصل برائت و فرض بی‌گناهی، به واسطه‌ی ماهیت پیچیده و سازمان‌یافتگی این نوع جرایم و در عین حال رشد فزاینده‌ی آن در عرصه‌ی بین‌الملل، راه را برای توجیه واژگونی بار اثبات دلیل و پذیرش فرض مجرمیت هموار نموده است. بنابراین، مادام که محاکمات عادلانه برگزار شده، حقوق دفاعی متهم نیز به نحو مطلوب رعایت گردد، می‌توان به جای اصل برائت به اصل مجرمیت روی آورد و متناسب با کنوانسیون پالمو که به دولت‌ها مجوز پیش‌بینی مقررات سخت‌گیرانه‌تری برای کشف و مبارزه با جرایم سازمان‌یافته داده، عمل نمود. (www.state.gov)

نتیجه‌گیری

به‌گونه‌ای که عنوان شد، سود سرشار، گردشگری جنسی، نیاز کشورهای صنعتی به نیروی کار ارزان، ناکارآمدی اقتصادی، ازدواج اجباری، تبلیغات پر جاذبه‌ی دلان قاجاق، خشونت‌های خانوادگی، تورم جمعیت، کشمکش‌های داخلی و منازعات مسلحانه، وجود فاحشه‌خانه‌ها در بسیاری از کشورها، ضعف کنترل در مرزهای ورودی و خروجی، جهل و نادانی، عدم جرم‌انگاری، پایین بودن هزینه‌ی جرم، تبعیض جنسیتی، افول ارزش‌ها و باروهای دینی و مذهبی، فقدان سیاست‌گذاری مناسب، سهولت در جعل هویت و گذر، فساد نهادهای قضایی و انتظامی و به‌طور کلی، وجود عوامل رانشی در کشورهای مبدأ و عوامل کششی در کشورهای مقصد، خالق و گسترش دهنده‌ی پدیده‌ی قاجاق انسان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جرایم فراملی بوده تا در پرتو جریحه‌دار کردن وجدان جمعی بشریت، بتوان از آن به‌عنوان تراژدی غم‌انگیز قرن ۲۱ یاد کرد؛ چندان که کنوانسیون و پروتکل‌های الحاقی به‌عنوان اسناد ارزنده‌ی بین‌المللی تصویب، تا به‌عنوان آینده‌ی تمام‌نمای نفرت و انزجار عالم‌گیر از این پدیده‌ی نامبارک باشند. تصویب قانون مبارزه با قاجاق انسان توسط مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۳، برای مبارزه‌ی قاطع با جرم مزبور و در راستای هم‌دلی با جامعه‌ی جهانی و

پاکسازی کشور از لوٹ عوامل دست اندر کار، اقدامی مثبت و در عین حال ناقص ارزیابی می‌گردد؛ قانون‌گذار، فروگشایی از این معضل بزرگ را صرفاً در پرتو سزاگرایی تشخیص داده و به‌همین منظور، مجازات اصلی حبس ۲ تا ۱۰ سال، جزای نقدی و مجازات تکمیلی اجباری انفصال برای مأموران دولتی، انحلال برای اشخاص حقوقی را در نظر گرفته است. حال این‌که، توسل به مکانیسم‌های پیش‌گیرنده و تمسک به راه‌کارهای بالینی و درمان‌کننده، به‌عنوان مجموعه‌ی تدابیر غیرکیفری، از جمله ضروریاتی هستند که مغفول واقع شده‌اند. از این‌رو، از برای رفع خلأهای تقنینی و زدودن بسترهای گسترش‌دهنده‌ی پدیده‌ی قاچاق، الحاق ایران به کنوانسیون پالمو و پروتکل‌های الحاقی آن، اصلاح قانون مبارزه با قاچاق، یکسان‌سازی مجازات معاون و مباشر، اتخاذ تدابیر پیشینی، تصریح به عدم تعلیق مجازات مرتکبان و عدم اعطای عفو به آنان، پیش‌بینی دادگاه تخصصی، معکوس نمودن بار اثبات دلیل، ارائه‌ی تعریف دسته و گروه و اشاره به تعداد آن، تعریف سازمان‌یافتگی، عدم توجه به تأثیر رضایت بزه‌دیده در همه‌ی فرض‌های ارتکاب جرم، در حکم جرم قاچاق قرار دادن جعل مدارک و اسناد مرتبط با آن، حیاتی و اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. باید اذعان کرد که توفیق در مبارزه با این جرم مرموز و خانمان‌سوز، در گرو اتخاذ سیاست جنایی هم‌سو از سوی دولت‌ها و همگامی و مجاهدت همه‌ی نهادهای فعال در کشور می‌باشد. با شتاب‌بخشی به پروژه‌های اشتغال‌زایی، فراهم نمودن جذابیت‌های مورد پسند جامعه - البته با رعایت موازین شرعی - افزایش دامنه‌ی آگاهی و اطلاعات مردمی، نظارت دقیق بر مؤسسات و آژانس‌های کاریابی و گردشگری، استفاده از فناوری نوین در صدور کارت‌های ملی و اوراق و اسناد سجلی و گذر، تحکیم بیش از پیش مرزهای کشور، الزام به ثبت واقعه‌ی نکاح موقت، تربیت پلیس متخصص و کاردان در این حوزه، کاهش تنش‌ها و مناقشات داخلی، افزایش درآمد عمومی، حذف تبعیض‌های جنسیتی، توسعه‌ی طرح‌های ملی، بهره‌گیری از جامعه‌ی مدنی (سیاست جنایی مشارکتی)، در پیشگیری از وقوع این جرم و ترمیم صدمات وارده بر «مجنی علیهم»، اتخاذ تدبیر لازم از برای مخفی نگاه داشته شدن هویت شهود و بزه‌دیدگان، تربیت نیروهای مجرب جهت نفوذ در باندهای سازمان‌یافته، می‌توان امید داشت که منحنی رو به صعود قاچاق انسان متوقف، بلکه رو به نزول

گذارد. در انتها بار دیگر بر اتخاذ تدابیر بازگرداننده، به‌ویژه در مورد قربانیان جنسی - از سوی دولت و نهادهای مدنی، با توصیه به عدم مجازات بزه‌دیدگان این جنایت هولناک تأکید می‌گردد؛ در غیر این صورت، چنانچه تا زمانی که مجازات، سرزنش و تحقیر اجتماعی در انتظار آنان باشد، رقبتی برای مراجعت نداشته و بعید نیست که به واسطه‌ی غرق در منجلاب تباهی، تبدیل به روسپیان چیره‌دستی گردیده و به‌عنوان ابزار دست مافیای سیاه در اغفال زنان و دختران به خدمت گرفته شوند. (The Race Dimensions, 2006)

منابع

فارسی

- ۱- کولایی، الهه، (۱۳۸۶)، «عوامل و انگیزه‌های قاجاق انسان (با تأکید بر آسیای مرکزی)»، فصلنامه‌ی سیاست، مجله‌ی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، شماره ۴.
- ۲- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۷)، «ترمیبولوژی حقوق»، چاپ نهم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- ۳- معظمی، شهلا، (۱۳۸۶)، «جرایم سازمان یافته»، مجله‌ی علوم جنایی، شماره‌ی اول.
- ۴- سلیمی، صادق، «قاجاق انسان و مبارزه با آن در حقوق کیفری ایران»، فصلنامه علمی، پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره‌ی ۲۶.
- ۵- حبیب زاده، محمدجعفر و همکاران، (۱۳۸۶)، «قاجاق انسان در حقوق کیفری ایران»، فصلنامه‌ی مدرس، دوره‌ی سیزدهم، شماره‌ی چهارم.
- ۶- شمس ناتری، محمدابراهیم، (۱۳۸۰)، «سیاست کیفری ایران در قبال جرایم سازمان یافته با رویکرد به حقوق جزای بین‌الملل»، رساله‌ی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، به راهنمایی دکتر علی حسین نجفی‌ابری آبادی، دانشکده‌ی علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- ۷- خالقی، علی، (۱۳۸۸)، «جستارهایی از حقوق جزای بین‌الملل»، تهران، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، چاپ اول.
- ۸- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۸۸)، «کیفرشناسی نو - جرم‌شناسی نو، تازه‌های علوم جنایی»، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
- ۹- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۷۴-۱۳۷۳)، «بزه دیده شناسی، تقریرات»، درس جرم‌شناسی.
- ۱۰- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۸۹)، «دیباجه کتاب قاجاق انسان در سیاست جنایی ایران و اسناد بین‌المللی»، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
- ۱۱- علیایی زند، شهین دخت، (۱۳۸۱)، «ازدواج نا مناسب، بستری زمینه‌ساز برای روسپی‌گری»، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۵.

- ۱۲-السان، مصطفی، (۱۳۸۴)، «قاچاق زنان و کودکان برای بهره‌کشی جنسی (از منبع جهانی تا حمایت از بزه‌دیدگان)»، فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی و رفاه اجتماعی، شماره ۱۶.
- ۱۳-میر محمد صادقی، حسین، (۱۳۸۵)، «حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی»، تهران، نشر میزان، چاپ هفتم.
- ۱۴-ابوجعفر، محمدابن حسن، (۱۴۱۷ ه.ق)، «العهده فی اوصول فقه»، چاپخانه ستاره.
- ۱۵-ذاقلی، عباس، (۱۳۸۹)، «قاچاق انسان در سیاست جنایی ایران و اسناد بین‌المللی»، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
- ۱۶-نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۸۰)، «جرایم سازمان یافته»، تقریرات درس جرم‌شناسی.

انگلیسی

- 17- Smart, U. , (2003), "**Human trafficking; Simply a Europtan Problem ?**", European Journal of crime, Criminal low justice, Vol, 13, no 2.
- 18- Zenit (2004), availabe at; <http://www.zenit.org/> english.
- 19- "**Traficking in persons Report**", (2010),10 th Edition, www.state.gov/g/tip/r/s/tipr
- 20- "**The Race Dimensions of Trafficking in Person – Especially women and children**", (2006).
- 21- IOM Intertional organization for Migration, (2003), "**Irregular Migration in Easten Europe and central Asia**", Geneva.
- 22- "**Protocol to Prevent, Suppress and punish Trafficking in persons, Especially women and children**", (2000), Supplementing the united nation convention against transitional organized crime, Nov.
- 23- Carrington, Kerry. & Hearn, jane. "**Traffiking and the sex industry: from Impunity to Protection, information**", anolysis and advice for the parliament, Commonwealth of Astralia.